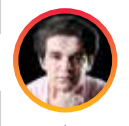


دررتبه‌بندی اخیر اپلیکیشن‌های دارای بیشترین کاربر در جهان، اینستاگرام رتبه ششم را کسب کرد. طبق این رتبه‌بندی اینستاگرام بعد از فیسبوک، یوتیوب، واتس‌آپ، فیسبوک مسنجر و وی‌چت، ششمین اپلیکیشن دارای بیشترین کاربر در جهان است. در سال ۲۰۲۰ نیز این اپلیکیشن رتبه پنجم بیشترین دانلود از بازارهای اپ را از آن خود کرده است.

تو حاضری برای عشق‌مون چکار کنی؟

فالوئرهای شست‌ها بالا



سیدمیلاد ناظمی
روزنامه‌نگاری
که عاشق شهرت
است ولی
نه به هر قیمتی

در همین روزهایی که فشار اقتصادی زیاد شده، به خیابان بروید و بگویید هرکس روی چهارپایه برود و با صدایش مردم را جمع کند و درنهایت با آفتابه شیرموز بخورد، یک میلیون پاداش می‌گیرد. چند نفر حاضر به این کار می‌شوند؟ حالا فرض کنید به جای شیرموز، آفتابه را با آب جوب پر کنید و رقم پاداش را به دو میلیون افزایش دهید.

آن‌وقت چه می‌شود؟ در همین روال مبلغ جایزه را مدام بیشتر کنید اما به کثافت‌بار بودن حرکت اصلی بیفزایید و بازیگرتان را بیشتر از قبل شبیه دلک‌ها کنید. احتمالا بعد از چند مرحله هیچ انسانی حاضر نمی‌شود بازیگر صحنه پر از حماقتی شود که شما طراحی‌اش کرده‌اید. چرا که در دنیای واقعی آدم‌ها آبرویی دارند و حس

می‌کنند هر کاری را نباید به ازای پول انجام داد. البته این‌را می‌دانیم که پول همه چیز نیست و لایذ چیزهای بالاتری هم وجود دارد که آدم حاضر می‌شود به خاطرش کارهای عجیب و غریب بکند. مثلا چطور می‌شود؟ بیایید فرض کنیم مسعود روشن‌پژوه با هلی‌کوپتر مسابقه محله از آسمان فرود می‌آید و در حالی‌که ملت با صدای بلند فریاد می‌زنند «یک و یک و یک، دو و دو و دو، سه و سه و سه، مسابقه محله!» بگوید روی این چهارپایه برو و با آفتابه آب جوب بخور. در همین نقطه تلاطمی است که می‌بینیم مردم یکدیگر را هل می‌دهند تا به چهارپایه برسند. چرا؟ چون تشویق آدم‌ها و هیجان شهرت، آدمیزاد را به این حال و روز می‌اندازد. تازه یک چهارپایه مخاطبان محدودی را می‌تواند به خود جلب کند. آدمیزاد برای چنین تشویقی حاضر است هزار تا کار بدتر را انجام دهد تا بیشتر دیده شود. مثلا می‌آید هرچیزی که دم‌دستش هست را می‌خورد و فیلمش

را ضبط می‌کند تا به دست همگان برساند و مشهور شود. این شهرت، این تشویق و این لایک دقیقا همان چیزی است که از پول باارزش‌تر است و حس بهتری ایجاد می‌کند. چه کسی از تحسین بدش می‌آید؟ اصلا خود شما ترجیح می‌دهی ثروت قارون را داشته باشی و کسی رایت شست نفرستد یا به‌عنوان یک آدم عجیب و غریب شست‌ها به سمت روانه شوند؟ در این بازی هر شست نشان‌دادنی ارزشمند است؛ حتی اگر با بدنامی به سمت شما روانه شده باشد. شست که بیاید، پول و تبلیغات هم می‌آید، چرا که شهرت منفی وجود ندارد و هر مدلش خوب است. آن‌قدر خوب که یکی از معروف‌ترین خواننده‌های کشور می‌گفت: «اگر روزی برسد که مردم من را فراموش کنند، حاضرم هر کار زشتی انجام دهم تا مجدد در خاطره‌ها بمانم. چون بدنامی بهتر از بی‌نامی است.» این حرف را آنهایی می‌فهمند که طعم شهرت را چشیده باشند. آنها می‌دانند که لایک باارزش‌تر از پول و هر چیز دیگری است. آدم‌ها را شاید نشود با پول خرید اما حتما می‌شود با لایک روی‌شان قیمت گذاشت. ما هم قیمتی داریم و اگر هنوز خود را نفروخته‌ایم به علت این است که طعم شیرین‌اش را مزه‌مزه نکردیم والا از ما تا آن اینفلوئنسر دیوانه‌ای که حاضر می‌شود هر چیزی را تناول کند چند هزار انگشت شست فاصله است.

چند راهکار برای معروف شدن در اینستاگرام

۱ یک عدد ماهی تازه، یک عدد سیب، چند دانه خرما و چند قالب یخ را داخل مخلوط‌کن بریزید و جلوی دوربین با هم مخلوط کنید و سر بکشید! فقط کافی است کمی آستانه تحمل‌تان را بالا ببرید.

۲ یک دوست که با هم نذار باشید را پیدا کنید. دوستی که هر چه بگویید بهش برنخورد. بعد با هم در اینستاگرام دعوا کنید. ویدئو بگذارید و هم‌دیگر را با فحش و افشاکری‌های اخلاقی تهدید کنید. فقط مواظب دوستی‌تان باشید.

۳ جلوی دوربین با اعتماد به نفس به مردم آموزش بدخید که چطور در سه دقیقه میلیارد شوند. مهم نیست که راهکار شما برای میلیارد شدن در سه دقیقه چقدر عملی باشد، مهم این است که موقع حرف زدن اعتماد به نفس داشته باشید.

۴ چند صفحه چنانگرد از نقاط مختلف دنیا را دنبال کنید. ترجیحا صفحاتی که زیاد دنبال‌کننده ندارند. بعد عکس‌هایشان را کپی کنید و با یک متن سفرنامه‌طور در صفحه‌تان قرار دهید. اگر هم کسی فهمید عکس‌ها کپی است بلاکش کنید.

اگر هنوز هم نمی‌دانید باید برای شهرت در اینستاگرام چه کار کنید، آخرین فنون اساتید را با ما مرور کنید

قلبم را قرمز کن، حتی به غلط!



علی گتچی
روزنامه‌نگار
یا
دانشجویی
کنجکاو و درسلوکی

همه چیز از فیس‌بوک شروع شد و حالا هم همه چیز را تحت تملک خودش گرفته. زمانی آیدی‌های یاهو مسنجر تنها پنجره رو به غریبه‌های صفر و یکی بود. بلاگفا مد بود و بعضا در اتاق‌های مختلف با آدم‌های عجیب و غریب و اسم‌های عجیب‌ترشان هم صحبت می‌شدیم. فیس‌بوک همه چیز را عوض کرد. شکلک‌های یاهو مسنجر جایش را به عکس‌های واقعی داد و بی‌هویت‌ها کم‌کم رخت برپستند و هرکس تمام علاقه‌مندی‌ها و جهت‌گیری‌هایش را در حساب فیس‌بوکش می‌نوشت. خرید واتس‌آپ و اینستاگرام، سلطه این غول شبکه‌های اجتماعی را در اینترنت محکم‌تر کرد تا جایی که اینستاگرام فیلتر نشده، از محبوب‌ترین شبکه‌های اجتماعی ایرانیان شده و انگار راه جدایی از آن هم غیر ممکن. معروف شدن در دنیای اینستاگرام مثل همه چیزش غیر واقعی و گذراست. دنیای لایک‌کردن و پسندیدن پست‌های افرادی است که از آنها متنفریم و به اشتراک گذاشتن لحظاتی که تنها برشی از واقعیت‌اند. از همان ابتدای رشد اینستاگرام، مسابقه جذب فالوئر به راه افتاده بود. واقعی یا حقیقی‌اش هم فرقی نداشت. می‌توان با اجاره یک ریات تعداد لایک و کامنت را به تعداد فضاپی رسانند تا حس معروف شدن و محبوب شدن واقعی‌تر به نظر برسد. برای شهرت اینستاگرامی هیچ‌گاه دیر نیست. ابتدا برهنگی شهرت می‌آورد. بعد خودکشی در پخش زنده، کمی بعدتر معرفی رستوران و خوردن غذا با اطوار جلوی دوربین، حالا هم دلک‌بازی پسرانی که شال صورتی می‌پوشند و صدای زنانه در می‌آورند. هر حرکتی خارج از قاعده و هیجانی‌طور، کنشور دنبال‌کننده‌هایتان را سرعت می‌بخشد و اسمتان را سر زبان‌ها می‌اندازد. برای شهرت مجازی لازم نیست مودب باشید، نیاز نیست کتاب پر فروشی بنویسید یا اختراعی ثبت کنید. مهم نیست اخلاق درستی دارید یا نه و اصلا لازم نیست حتما آدم باشید!

سگ‌ها جایگزین مدل‌ها



همه در اینستاگرام خوش‌تیپ و خوش‌هیكل اند. فقط مشخص نیست این همه ژولیده و بدلباس از کجا سر در می‌آورند که در خیابان و دنیای واقعی می‌بینیم. خوش‌لباسی اما فقط مخصوص ما انسان‌ها نماند و از سال ۲۰۰۰ لباس‌پوشی حیوانات هم به بازار آمد. اینستاگرام‌ها هم برای به دست آوردن دل دنبال‌کنندگانشان، انواع و اقسام لباس و عینک و ساعت و تجهیزات از سگ و گربه‌شان آویزان می‌کنند تا مظلومیت حیوان، باعث شود آن‌طرف خط دو بار بزنیم روی عکس و قلب سفید را قرمز کنیم. سال ۲۰۰۳ سگی به نام بوجی در اینستاگرام کشف و به سرعت محبوب شد.

او ۴۰۰ هزار دنبال‌کننده دارد و همه اینها را مدیون لباس‌های مردانه‌ای است که می‌پوشد. در دنیای وارونه و غیرحقیقی اینستاگرام، مردان شال صورتی می‌پوشند و صدا نازک می‌کنند تا معروف شوند و سگ‌ها لباس مردانه و کت‌وشلوار می‌پوشند و شهرت پیدا می‌کنند. بوجی با حساب mensweardog به سوالات حوزه مد پاسخ می‌دهد و به دنبال‌کنندگانش لباس‌های مناسب مردانه را معرفی می‌کند.

نوشتن جای عکس گرفتن



برای اینستاگرام‌ر شدن نیازی نیست انسان باشیم. حتی از این هم فراتر، اصلا نیازی به بارگذاری عکس در این شبکه اجتماعی که بر پایه عکس فعالیت می‌کند، نیست. سائیرگرام صفحه یک آمریکایی به نام ایزکیل کاستانتو است که کمی خسته‌تر از بقیه اینستاگرام‌هاست. او ترجیح داده به جای این‌که به یک شهر ساحلی برود و کنار بندر آن شهر دست‌هایش را باز کند و ژست بگیرد برای عکس، فقط نوشته‌اش را بنویسد. به صفحه‌اش که مراجعه کنید در پست‌هایش با دستخط خودش در عکس نوشته: «عکسی از من در کنار ساحل زیبا با شلوارک». یا «عکسی از گربه‌ام در حالی که درخت کریسمس پشتش است». در جایی هم نوشته: «عکس من در یک ماشین زیبا برای این‌که شما باور کنید صاحب این ماشین هستم در حالی که فقط اجاره است». او در این اکانت حسابی کلیشه‌های اینستاگرامی را به طنز گرفته و توخالی بودن آنها را به رخ بقیه می‌کشد. خود ایزکیل کارگردان و نویسنده است اما هیچ‌کدام از آثار او به اندازه صفحه‌اش در اینستاگرام مورد توجه قرار نگرفته تا او تمام توانش را برای اداره صفحه اینستاگرامی‌اش بگذارد. در پستی کنایی هم این اواخر نوشته: این هم یک سلفی از من که فراموش نکنید چه شکلی‌ام. که البته هیچ عکسی از او در صفحه‌اش نیست!

مسافران غیر محترم، اصلا خوش نیامدید



از شغل‌هایی که با ارباب‌رجوع درگیرند، همیشه داستان‌های جالب‌تری می‌شنویم. یک کارمند بانک یا یک معلم هزاران برابر یک پشت میزنشین که با کسی در طول روز درگیر نمی‌شود، داستان و خاطره از روزهای خدمتش دارد. البته صدها برابر هم عصبی شده و دعوا دیده‌است. مهمانداری هواپیما و کنترل یک جمعیت با ملیت‌ها و اخلاقیات مختلف در طول یک پرواز چندساعته، از آن کارهای طاقت‌فرسا و دشوار است که بی‌خود نیست به زنان سپرده‌شده تا بلکه با صبر بیشتر شرایط را کنترل کنند. یک نفر از این مهمانداران، کمی طاقتش طاق شده و سعی کرده داستان‌های اذیت‌کننده‌ای را که مسافران هواپیما نقش اصلی آن هستند، برای بقیه بازگو کند تا شاید کمی سبک‌تر شود. این‌کار البته جیب او را هم سنگین‌تر کرد و او را به یک

اینستاگرام‌ر متفاوت بدل کرد. شاون کاتلین با حساب passenger shaming حساسی از خجالت بی‌شعوری مسافرانی که در طول پرواز کارش را سخت می‌کنند درآمده و حدود یک‌ونیم‌میلیون مخاطب جذب کرده‌است. عکس مسافرانی که کفش و جوراب‌شان را در آورده و پایشان را تا صندلی مقابل دراز کرده اند، آنهایی که صندلی هواپیما را با تخت‌خواب اشتباه گرفته‌اند، دعوی بین مسافران و حتی مسافرانی که بدون مراجعه به دستشویی و در جا، قضای حاجت می‌کنند، گوشه‌ای از اتفاقات اعصاب خردکنی است که کاتلین و همکارانش روزانه با آن درگیر هستند و این صفحه اینستاگرامی به محلی برای انتقام‌گیری و آبروبری از این افراد تبدیل شده‌است. این حساب که اطلاعات مفیدی را در مورد قوانین پروازی به مخاطبانش می‌دهد، جزو فهرست ۱۰۰ اکانت برتر اینستاگرام در سال گذشته قرار گرفته و روز به روز مخاطبانش بیشتر می‌شود. خاتم مهماندان هم به جای مهمانداری در یک دفتر، تمام روز صفحه میلیونی‌اش را مدیریت می‌کند. اگر روزی در پرواز ماسک خود را در آوردید یا دعوی‌ای را بر انداختید و کار مهماندان را سخت کردید، به این صفحه سری بزنید. شاید مشهور شده‌باشید و سیل فحش، رفتارتان را عوض کند.

آقای پوکی خاردارندگی و برازندگی



تا به حال اتفاق افتاده که یک اکانت دوست را بی‌صدا کنید تا عکس‌هایی که هر دقیقه از مسافرت‌ها و خوشگذرانی‌هایش می‌گذارد، شما را بیشتر از این آزار ندهد؟ حسودی می‌کنید به انسانی که بیشتر از شما دنیا را دیده‌است؟ دیگری نگران نباشید! یک جوجه‌تیغی از همه ما در اینستاگرام جلوتر است. آقای پوکی که با نام mr.pokee در اینستاگرام فعالیت می‌کند، یک جوجه‌تیغی است با دومیلیون دنبال‌کننده. او به چند ۱۰ کشور سفر کرده و عکس‌هایش در نقاط مختلف دنیا با خنده و شکلک در اینستاگرام آپلود می‌شود. شعار او هم این است: خوشحال باش و همیشه بخند. البته تحقق این شعار برای ما که جوجه‌تیغی نیستیم و یک زن آلمانی همیشه

ما را به مسافرت نمی‌برد، کمی سخت است. لیتا گیرنوس، صاحب آقای پوکی است و به‌طور میانگین از هر پست صفحه دو میلیونی‌اش، در آمد ۲۰ تا ۳۰ هزار دلاری به جیب می‌زند. تیغ‌دار خندان، یک فروشگاه اینترنتی هم دارد که عکس، برچسب، عروسک و جاسون‌چی با چهره خودش را می‌فروشد. اگر به درآمد و خوشگذرانی او غبطه می‌خورید، جالب است بدانید او سه سال پیش مرده. مرحوم خاردار که با رفتنش صاحبش را شوکه کرده‌بود، ممکن بود درآمد بالایی را هم که با خود به ارمغان آورده‌بود به خاک بسپارد اما در اینستاگرام همه چیز برعکس است. بعد از مرگ پوکی، صفحه‌اش مورد بازدید حیوان دوستان و دیگر کسانی که در فراق حیوان خانگی‌شان بودند، قرار گرفت و تعداد دنبال‌کننده‌هایش افزایش هم یافت. لیتا هم یک جوجه‌تیغی دیگر را جایگزین او در صفحه‌اش کرد تا جای خالی او را در قلب و جیبش حس نکند. اکانت شادروان پوکی در غیاب او به رشد ادامه می‌دهد و می‌خنداند و پول درمی‌آورد. خارش گرمی و یادش پاینده باد!